ای رسول خدا، من صاحب زمینی در خیبر شدم؛ تاکنون صاحب مالی نشدم که از آن نزد من ارزشمندتر و گرانبهاتر باشد، در مورد آن چه به من دستور می دهی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر موافق باشی اصل آن را نگه دار و منفعت حاصل از آن را صدقه بده».

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: عمر زمینی را در خیبر مالک شد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد تا با ایشان در مورد نحوه ی استفاده از آن مشورت کند؛ از این رو گفت: ای رسول خدا، من صاحب زمینی در خیبر شدم؛ تاکنون صاحب مالی نشدم که از آن نزد من ارزشمندتر و گرانبهاتر باشد، در مورد آن چه به من دستور می دهی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنْ شِئْتَ حَبَّسْتَ أَصْلَهَا، وَتَصَدَّقْتَ بِهَا»: «اگر موافق باشی اصل آن را نگه دار و منفعت حاصل از آن را صدقه بده». بنابراین عمر رضی الله عنه منفعت آن را صدقه نمود بدون اینکه اصل آن فروخته شود و هبه گردد و جزو اموال میراث محسوب شود. و به این ترتیب منفعت حاصل از آن را بین فقرا و نزدیکان تقسیم کرده و در راه الله و برای مسافران و در راه ماندگان و مهمانان در نظر گرفت. و کسی را که عهده دار رسیدگی به آن بود، آزاد گذاشت تا به نیکی از آن بخورد یا دوستی از آن بخورد بدون اینکه مال اندوزی کند و بیش از نیاز خود برگیرد؛ و در لفظی آمده است: بدون اینکه مال و ثروتی از آن برای خود ذخیره نموده و رقم بزند.

[صحیح است] [متفق علیه]

عمر بن خطاب رضی الله عنه مالک زمینی در خیبر می شود که گرانبهاترین اموالش نزد او می باشد؛ بنابراین برای اینکه درون خود را پاک نماید، با اینکه در باقیات الصالحات از سبقت گیرندگان است، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می رود تا به نیکی مذکور در این آیه دست یابد که الله متعال می فرماید: «لَنْ تَنَالوا البِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبونَ» [آل عمران: 92] «[ای مؤمنان] هرگز به [منزلت و ثواب] نیکوکاری دست نمی یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید». و به این ترتیب با رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد نحوه ی صدقه دادن آن برای جلب رضایت الله متعال مشورت می کند؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم بهترین روش صدقه نمودن آن را به وی مشورت می دهد؛ اینکه اصل آن را نگه داشته و وقف کند؛ و عمر رضی الله عنه چنین عمل می کند و زمین مذکور را وقف می کند که نه فروخته می شود و نه هدیه می گردد و نه جزو میراث قرار می گیرد؛ و هیچکس نمی تواند تصرفی در آن داشته باشد و انتقال مالکیت نموده یا سبب آن شود؛ و منفعت حاصل از آن را به فقرا و مساکین و نزدیکان و خویشاوندان اختصاص می دهد و اینکه بردگان از بردگی آزاد شوند یا با درآمد حاصله از آن، دیه های کسانی پرداخت شود که مستوجب پرداخت دیه شدند؛ و مجاهدانی تامین شوند که در راه الله و برای اعلای کلمه ی الله و نصرت و یاری دین به جهاد می روند؛ و مسافری غذا داده شود که در شهری غیر از شهر خود، بی چیز و درمانده شده و چیزی برای او جهت تامین مایحتاجش باقی نمانده است. و همچنین مهمانان از آن استفاده کنند چراکه رعایت احترام مهمان بخشی از مصداق ایمان به الله می باشد. و کسی یا کسانی که نیاز است عهده دار مسئولیت و رسیدگی به آن شوند، گناه و حرجی در استفاده از زمین مذکور متوجه آنها نباشد و به قدر نیاز از آن استفاده نمایند؛ و دوستی از آن بخورد بدون اینکه مالی افزون بر نیازش از آن برگیرد؛ چون درآمد حاصله از زمین مذکور وقف انفاق در راه های خیر و نیک شده است نه اینکه مال و اموالی ذخیره و انباشته شود. نکته: وقف این است که مسلمانی مالی را که برای او سودی دارد، در یکی از راه های خیر صدقه کند؛ و به این ترتیب خود به عنوان مال وقفی از آن استفاده نموده و از طرفی اصل مال نیز باقی بماند. به عنوان مثال مزرعه ای را برای فقرا وقف نماید؛ بنابراین میوه ها و محصولات این مزرعه به فقرا داده می شود و همچنان مزرعه باقی بوده و به همین ترتیب

منفعت آن به فقرا می رسد.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/6031